

بازنمایی تعارض ظاهری آیاتی از قرآن کریم با گزارش های تاریخی

رؤیا باقری^۱

چکیده

منابع تاریخی حکایت از آن دارد که بیعت رضوان به دنبال جریان صلح حدیبیه و در حاشیه آن مطرح شده و از وقایع مهم تاریخ اسلام است و دو آیه قرآن در مورد این رخداد نازل شده است. تحلیل مورخان اهل سنت و شیعه و چگونگی برخورد آنها با این گزارش ها با توجه به آیات مربوط به این جریان، متفاوت است. مورخان اهل سنت، به دنبال اثبات عدالت همه صحابه با استناد به آیه ۱۸ سوره فتح هستند. اهمیت این پیمان و استفاده هایی که از این جریان در کتب تاریخی و تفسیری شده و اختلاف نظرهایی که در این زمینه وجود دارد، ضرورت انجام پژوهش حاضر را روشن می سازد. نوشتار حاضر با استفاده از منابع تاریخی و تفسیری و با نگاهی تطبیقی تلاش دارد به این سؤال پاسخ گوید که چگونه می توان تعارض ظاهری بین آیه مذکور و برخی از گزارش های تاریخی را حل کرد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که حضور صحابه در بیعت رضوان دلیلی بر عدالت صحابه نیست.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، حدیبیه، رضوان، بیعت، تعارض.

۱. مقدمه

مفصل ترین و کهن ترین گزارش از حدیبیه در کتاب سیره ابن اسحاق ذکر شده و اخبار بعدی همه مبتنی بر گزارش وی است. گزارش مفصل این رخداد در منابعی چون سیره ابن هشام، تاریخ طبری، مسند ابن حنبل و سنن بیهقی وجود دارد. اگرچه میان گزارش ها تفاوت هایی به چشم می خورد با

^۱ دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران.

استفاده از قرآن و منابعی مانند سیره ابن هشام، مغازی و اقدی، طبقات ابن سعد و تاریخ طبری می توان واقعه حدیبیه را در قالب روایتی منسجم و استاندارد به تصویر کشید.

۲. گزارش های تاریخی واقعه حدیبیه

در شوال یا ذیقعدۀ سال ششم هجری به دنبال رؤیای صادقه رسول خدا ﷺ و دعوت قبایل اطراف مدینه حضرت با ۷۰۰-۱۴۰۰ نفر راهی سفر عمره و در ذوالخلیفه محرم شد. (ابن هشام، ۱۴۱۲، ۷۷۶/۲؛ و اقدی، ۱۹۶۶، ۵۷۳/۲) قریش از حرکت مسلمانان آگاه شده و سپاهی به فرماندهی خالد بن ولید، تدارک دیده تا در کُراع الغمیم راه را بر پیامبر ﷺ و مسلمانان ببندد (ابن هشام، ۱۴۱۲، ۷۷۷/۲)، پیامبر ﷺ مسیر دیگری را در پیش گرفته و شتر خود را رها کرده تا هر جا توقف کرد همان جا اردو زنند. (ابن سعد، بی تا، ۹۵/۲). به دلیل آنکه سرزمین حدیبیه با کمبود آب مواجه بود پیامبر ﷺ به شکلی معجزه آسا چاه خشک را مملو از آب کرد (ابن هشام، ۱۴۱۲، ۷۷۸/۲). مشرکان به دنبال رایزنی با مسلمانان نمایندگانی نزد رسول خدا ﷺ می فرستند (یعقوبی، بی تا، ۵۴/۲). در مورد ترتیب اعزام نمایندگان و نام آنها در منابع یاد شده اختلاف نظر وجود دارد؛ همه این نمایندگان در بازگشت به مشرکان این اطمینان را می دهند که مسلمانان برای عمره آمده اند و قصد جنگ ندارند. این بار پیامبر ﷺ تصمیم می گیرد برای اطمینان بخشیدن به مشرکان نماینده ای نزد آنها بفرستد و عثمان انتخاب می شود (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ۲۰۳/۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۲، ۷۸۲/۲) و وقتی بازگشت عثمان به طول می انجامد رسول خدا ﷺ با یاران خود پیمان بسته و آماده جنگ می گردد، اما با بازگشت عثمان این امر منتفی شد آخرین نماینده اعزامی از طرف مشرکان سهیل بن عمرو بود که سرانجام معاهده ای میان دو طرف امضا شد که بیانگر مفاد ذیل بود:

- آتش بس میان طرفین و صلح ده ساله و عدم غارت یکدیگر؛ (یعقوبی، بی تا، ۵۴/۲)

- تعهد از طرف مسلمانان مبنی بر بازگرداندن کسانی که مسلمان شده و به مدینه پناه می برند؛ (ابن

هشام، ۱۴۱۲، ۷۹۰/۲)

- هر گروه آزاد است با هر قبیله ای پیمان ببندد و باید حقوق هم پیمانان یکدیگر را محترم شمارند؛

- مسلمانان این بار از ورود به مکه چشم‌پوشی کنند، اما از سال آینده می‌توانند به مدت سه روز وارد مکه شده و حج به جا آورند.

آیه ۱۰ و ۱۸ سوره فتح اختصاص به رخدادهای بیعت رضوان دارد و در این مورد اختلافی میان مفسران وجود ندارد. (ر.ک.، سمرقندی، ۱۴۱۴، ۳/۳۱۳؛ شیخ طوسی، بی تا، ۹/۳۱۹) به طوری که نام بیعت رضوان برگرفته از آیه ۱۸ این سوره است: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَّا يَشَاءُ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آن کس که نسبت به عهده‌ی که با خدا بست وفادار بماند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد» (فتح: ۱۰). آیه دیگر معروف به آیه رضوان، آیه ۱۸ سوره فتح است. «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا؛ خداوند از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند، راضی و خشنود شد. خدا آنچه را در درون دل هاشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود، می‌دانست. از این رو آرامش را بر دل هاشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را به عنوان پاداش نصیب آنها کرد».

آیه رضوان درصدد اثبات فضیلت و منقبت برای شرکت‌کنندگان در این پیمان است. همچنین روایاتی نیز در تأیید این فضیلت وجود دارد که بر فرض درستی این روایات، می‌توان آنها را به منزله تأیید و شهادی بر آیه رضوان و مفاد آن دانست. گزارش‌های تاریخی بسیاری نیز مؤید این ادعاست. نکته مهمی که محور بحث نوشتار حاضر و در تعارض با مطالب فوق است، گزارش‌های تاریخی بسیاری است که بیانگر اشتباهات و اعمال ناشایستی است که از برخی صحابه در گذر تاریخ و بعد از رخداد صلح حدیبیه و بیعت رضوان انجام گرفته است. رویکرد مفسران شیعه و اهل سنت به جریان حدیبیه و بیعت رضوان متفاوت است و هر یک با نگرش خاص خود به توصیف و تحلیل واقعه پرداخته‌اند. منابع تفسیری اهل سنت بعد از ذکر جریان حدیبیه و بیعت رضوان درصدد اثبات منقبت و فضیلت برای کسانی هستند که در این پیمان شرکت داشته‌اند. تاجایی که بیشتر آنها آیه رضوان را دال بر عدالت و مصونیت صحابه از هرگونه گناهی می‌دانند. اگرچه در هنگام تطبیق بر مصادیق بیشتر از

ابوبکر و عمر، عثمان، طلحه و وزیر نام برده‌اند (قرطبی، ۱۴۱۳، ص ۳۱) و در این مسیر تا جایی پیش رفته که می‌گویند: «صحابه بدون در نظر گرفتن اعمالشان دارای کرامت و حرمت خاصی بوده‌اند و هیچ کس حق وارد کردن نقد و انتقادی به آنها ندارد» (از جمله مفسرین اهل سنت که بسیار بر این مطلب تأکید داشته و در این مورد شیعه را مورد اعتراض قرار می‌دهد رشید رضا صاحب تفسیر المنار است (رشید رضا، ۱۴۱۴، ۱۰/۲۳۴).

بررسی گزارش‌های تاریخی که در این مورد وجود دارد به خوبی بیانگر این است که در دوران رسول خدا ﷺ و در صدر اسلام شرکت در بیعت رضوان فضیلت بوده است و شواهد بسیاری در این مورد وجود دارد از جمله:

- در جریان جنگ حنین هنگامی که سپاه اسلام توسط دشمن غافلگیر شده و فرار می‌کنند پیامبر ﷺ می‌بیند که نزدیک است ماجرای تلخ جنگ احد تکرار شود. بنابراین، به عباس فرمان می‌دهد که با صدای بلند فریاد زند: «یا اصحاب السَّمْرَةِ یَوْمَ الْحُدَیبِیَةِ» (ابن منظور، بی تا، ۴/۳۷۹). لازم به ذکر است سمره نام درختی است که بیعت رضوان در زیر آن انجام شد. بدین ترتیب با یادآوری این تعهد، آنها را به بازگشت و جنگ مجدد ترغیب می‌کند (یعقوبی، بی تا، ۲/۶۲).

- در کتاب‌های تراجم و رجالی و همچنین کتب فضائل نگاری نیز هنگامی که شرح حال افراد بیان می‌شود اشاره به شرکت آنها در رخدادهای و فضائلی که در سایه حضور در آن واقعه کسب کرده‌اند، شده است. گذری اجمالی بر این کتاب‌ها و اصطلاحات به کار رفته در آنها مانند بدری، عقبی و... نیز اشاره به همین مطلب دارد. (در برخی از این کتاب‌ها چنین آمده است که فریعه بنت مالک و ام عماره نسیبه بنت کعب و سلمی بنت قیس و بریده بنت حصیب (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۴/۱۹۰۳ و ۱۸۶۲ و ۱۹۴۸) و همچنین ام سلمه، از زنانی هستند که در بیعت رضوان شرکت داشته‌اند (ابن سعد، بی تا، ۲/۹۵). حتی در برخی کتب که به بحث‌های فضائل صحابه پرداخته‌اند، قشربندی خاصی براساس شرکت در این گونه وقایع ارائه شده و گفته‌اند: «اصحاب ما اجماع نموده‌اند که افضل از صحابه عبارتند از: خلفای چهارگانه، سپس اهل بدر، احد و اهل بیعت رضوان و عقبی‌ها» (النووی، ۱۴۰۷، ۱۵/۱۴۸).

- احتجاج امام حسن علیه السلام با معاویه در دفاع از پدرشان حضرت علی علیه السلام نیز بیانگر همین نکته است. حضرت خطاب به معاویه می‌گوید: «مردی که تو او را شتم کردی قسم به خدا کسی است که به سوی دو قبله نماز خوانده و در دو بیعت، رضوان و فتح مکه حضور داشته است» (طبرسی، ۱۳۸۶، ۴۰۵/۱).

- عبدالله بن مسعود زمانی که در مسجد مدینه مورد سرزنش عثمان و توهین قرار گرفت در پاسخ سخنان توهین‌آمیز وی به فضائل خود اشاره کرد و گفت: «هرگز چنین که تو گویی نیست. من صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه ایشان در بدر و احد و بیعت رضوان بوده‌ام» (طبری، ۱۴۱۵، ص ۱۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۹/۳۱).

- از دیگر دلایلی که می‌توان بر این ادعا ارائه داد جریان عدم حضور عثمان در بیعت رضوان است. اهل سنت تاکید بسیاری بر این مطلب دارند که چون عثمان به نمایندگی از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه رفته بود نتوانست در این بیعت شرکت کند. بنابراین، حضرت فرمود: «عثمان به دنبال حاجت خداوند و رسولش به مکه رفته است، سپس دست راست خود را بر دست چپ زد و فرمود: دست چپ من از دست راست عثمان بهتر است و از طرف او بیعت نمود» (واقدی، ۱۴۰۹، ۶۰۵/۲؛ ابراهیم، بی تا، ۲۰۹/۷؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ۳۳۸/۱۵؛ سیوطی، بی تا، ۷۳/۶؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ۳۵۲/۱۶).

مفسران اهل سنت در تکمیل دفاع خود از عثمان می‌گویند: «کسی که به دنبال حاجت خدا و رسولش بوده و در حقیقت بیعت رضوان به خاطر او انجام شد؛ زیرا در اثر تأخیر و شایعه قتل عثمان بود که پیامبر صلی الله علیه و آله یاران خود را به بیعت فراخواند، چگونه ممکن است نزاهت و عدالت چنین کسی را انکار نمود». (باقلانی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۲) از طرفی، شیعه با اثبات عدم حضور عثمان در بیعت رضوان، فضیلتی را برای او ثابت نمی‌داند. اینکه شیعه درصدد نفی شرکت عثمان در بیعت رضوان است و از طرفی اهل سنت درصدد توجیه عدم شرکت او هستند خود بهترین دلیل بر این مطلب است که شرکت در بیعت فضیلت بزرگی بوده است. علاوه بر گزارش‌های تاریخی، آیاتی از قرآن نیز در مورد این پیمان و جایگاه بالای شرکت‌کنندگان است: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَيَّعُواكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَتَاهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۱۸). خدای تعالی آن روز که مؤمنین در زیر آن درخت با تو بیعت کردند از ایشان راضی شد چون از نیات درونیشان آگاه بود. به همین جهت آرامشی بر آنان نازل کرد و برای پاداش، فتحی نزدیک روزیشان کرد». در این آیه با جمله: «رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ» اطاعت از خدا و با: «إِذْ يَبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» اطاعت از رسول خدا ﷺ محقق شد.

در آیه قبل نیز اطاعت از خدا و رسول او ﷺ نشانه دخول در بهشت قرار داده شده است: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ خداوند اهل بیعت رضوان را از اطاعت کنندگان خدا و رسولش دانسته و آنان را از اهل بهشت قرار داده است». (فتح: ۱۷) در بررسی متون و گزارش‌های تاریخی، مواردی دیده می‌شود که با مفاد این آیات در تعارض است و در موارد تعارض قاعده اولیه، جمع بین آیات و روایات و گزارش‌های تاریخی است؛ یعنی باید بنابر قاعده معروف اصولی «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» بتوان بین این گونه موارد جمع کرد و عرف را از تحیر و سرگردانی بیرون آورد. در تعارض ظاهری راه حل‌هایی ارائه شده است از جمله: حمل وجوب بر استحباب، حمل وجوب بر رخصت، حمل نهی بر کراهت، حمل مطلق بر مقید، حمل مجمل بر مفصل، حمل عام بر خاص، حمل روایت بر تقیه یا ضرورت یا فراموشی.

علمای اصول در باب مطلق و مقید قاعده‌ای بدین مضمون دارند که همواره در هنگام وجود مطلق و مقید می‌بایست مطلق را بر مقید حمل نمود و این موضوع قاعده‌ای عقلی و نقلی می‌باشد. در تفسیر آیات نیز همین قاعده جاری است و بر اساس آن باید پیش رفت. بدین شکل که آیات مطلق را در پرتو آیات مقید تفسیر کرد. مفسران شیعی معتقدند که آیه رضوان (ر.ک.، فتح: ۱۰) دال بر فضیلت صحابه است، اما این آیه اطلاق ندارد و شامل همه صحابه نمی‌شود چون آیه دیگری که به آیه شرط معروف است، آن را مقید کرده است. به بیان دیگر، خداوند از بیعت کنندگان با پیامبر ﷺ راضی است تا زمانی که به آیه شرط نیز وفادار بمانند؛ یعنی نقض بیعت نکرده و مطیع اوامر حضرت باشند (قمی، ۱۴۰۴، ۳۱۵/۲؛ شیخ طوسی، بی تا، ۳۲۷/۹). همچنین گفته شده که آیه شرط بعد از آیه رضوان نازل شده است؛ یعنی خداوند از مؤمنینی که بیعت کردند راضی است و سپس آیه دیگر شرط و تداوم این رضایت را بیان کرده است، اما در هنگام تألیف، آیه شرط مقدم بر آیه رضوان شده است (قمی، ۱۴۰۴،

۳۱۵/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱۱۸۳/۲، بحرانی، ۱۴۱۶، ۸۷/۵). حتی در برخی از منابع تفسیری به این قید که: «در هنگام بیعت با رسول خدا ﷺ مؤمن بودند» تصریح شده است (شیخ طوسی، بی تا، ۳۲۸/۹).

نکته دیگر اینکه آیه قبل از آیه رضوان اشاره به کسانی دارد که از اطاعت خدا خارج شده و به آنان وعده عذاب داده شده است. «مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح: ۱۷). این بدان معناست که آنان همیشه باید در طریق اطاعت از خداوند باشند تا قید رضایت از آنان نیز تداوم داشته باشد. آیات دیگر این سوره نیز از بیعت شکنی، تخلف و سرپیچی عده‌ای سخن گفته است. «وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ» (فتح: ۶)؛ «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ» (فتح: ۱۰)؛ «سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا» (فتح: ۱۱)؛ «سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ» (فتح: ۱۵).

در صورت عدم پذیرش تقیید آیه، نهایت مطلبی که می‌توان به دست آورد این است که رضایت خداوند فقط شامل بیعت‌کنندگان تحت شجره می‌شود که تعدادشان را بین ۷۰۰ تا ۱۷۰۰ نفر و در بیشتر منابع ۱۴۰۰ نفر نقل کرده‌اند و نمی‌توان با این آیه بر عدالت همه صحابه که بیش از صد هزار نفر بوده‌اند، استدلال کرد، اما این ادعا نیز قابل نقض است؛ زیرا گزارش‌های بسیاری در مورد عملکرد برخی صحابه وجود دارد که با تکیه بر آنها می‌توان عدالت همین افراد را نیز رد کرد. در برخی منابع تفسیری و تاریخی بعد از جریان بیعت رضوان به دو روایت استناد شده است که دلیل بر فضیلت شرکت‌کنندگان در این پیمان است. این روایات عبارتند از:

سعید بن مسیب می‌گوید: «پیامبر ﷺ بعد از بیعت رضوان به ما فرمود: «انتم خیر اهل الارض»» (ابن حجر، ۱۳۹۲، ۳۴۱/۷، نووی، ۱۴۰۷، ۵۸/۱۶، زمخشری، ۱۳۸۵، ۵۴۶/۳، متقی هندی، ۱۴۰۹، ۳۳۳/۱).

پیامبر ﷺ فرمود: «لا يَدْخُلُ النَّارَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ مِنَ الَّذِينَ بَايعُوا تَحْتِهَا» (ابن حنبل، بی تا، ۴۲۰/۶، بخاری، ۱۴۰۱، ۱۶۹/۷).

در نقد و بررسی این روایات باید گفت که اعتبار روایات نیز تا زمانی است که با آیات قرآن تعارضی نداشته باشد. پیامبر ﷺ فرمود: «روایات را بر کتاب خدا عرضه کنید و هر روایتی که موافق با آن بود از آن تبعیت کنید و روایات مخالف را رها کنید» (صدوق، ۱۳۷۸، ۲/۲۱؛ کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۶۶). با توجه به پذیرش این مسئله که حضور در بیعت رضوان فضیلت بوده است توجه به نکات زیر لازم است:

- می توان گفت که انگیزه جعل روایات در این مورد وجود داشته است به ویژه اینکه این روایات از جهت سند دارای اشکال می باشند.

- نکته دیگر اینکه در هیچ یک از منابع شیعی این روایات ذکر نشده است.

- این روایات بر فرض که از لحاظ سند صحیح باشند- که نیست- بر عدالت همه صحابه دلالت نمی کند و فقط عدالت حاضران در صلح حدیبیه را اثبات خواهد کرد و بر عدالت تسلیم شدگان روز فتح مکه، تخلف کنندگان از تبوک، منافقان روز احد و... دلالت ندارد.

- این روایات در صورت صحیح بودن اگر در کنار آیه شرط قرار گیرند تاب مقاومت نخواهد داشت؛ زیرا آیه شرط اطلاق همه را از بین برده و آنها را مقید می کند.

- این گونه روایات استثناهایی دارند که در منابع اهل سنت نیز نقل شده است. (البخاری، ۱۴۰۱، ۵/۹۲) باب الفتن که اگر چنین روایت هایی کنار هم گذاشته شوند مصادیق صحابه غیر عادل روشن می شود.

در نهایت می توان گفت حرمتی که در سایه این آیه برای صحابه ثابت می شود تا زمانی دوام دارد که آنها در طریق حق باشند. در حالی که برخی گزارش های تاریخی بیانگر آن است که بسیاری از صحابه بعد از این جریان بر عهد خود استوار نبودند. چگونه می توان مواضع افرادی چون طلحه و زبیر که در مقابل حضرت علی علیه السلام ایستادند و جنگ جمل را به راه انداختند به صرف اعتقاد به تنزیه صحابه نادیده گرفت. ماجرای اصحاب رده و ارتداد جمعی از مسلمانان که در زمره صحابه حضرت بودند و بعد از رحلت پیامبر ﷺ سر به شورش برداشتند در کتب اهل سنت و شیعه ذکر شده است. به طوری که خلیفه اول با آنها مقابله نمود و جنگید. آیا می توان گفت به دلیل حضور برخی از این افراد در بیعت

رضوان ماجور هستند و نباید در مورد آنها قضاوت بد نمود. (قمی، ۱۴۰۴، ۳۱۵/۲؛ شیخ طوسی، بی تا، ۳۲۷/۹؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۱۲۸)

حضور قاتل عثمان یا سرکرده مصریان، عبدالرحمان بن عدیس بلوی (عبدالرحمان بن عدیس بلوی از اهالی مصر بود. وی در حدیبیه حضور داشت و از کسانی بود که با پیامبر ﷺ بیعت کرد. وی رهبری شورشیانی را بر عهده داشت که خانه عثمان را محاصره کرده و وی را به قتل رساندند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۸۴۰/۲) و همچنین ابوالغادیه (ابن اثیر، بی تا، ۱۲۴/۵) قاتل عمار که پیامبر ﷺ او را اهل آتش دانست و در صفین مقابل علی علیه السلام بود در بیعت رضوان از جمله مطالبی است که اهل سنت را دچار تناقض گویی کرده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۱۱۴۰/۳؛ النقی، ۱۴۰۹، ۲۲۵/۹، علامه امینی، ۱۳۹۷، ۳۲۸/۱). سعد الدین تفتازانی از متکلمان اشاعره با استناد به برخی گزارش های تاریخی، جنگ ها و اختلافاتی را که بین صحابه رخ داده، دلیلی بر منحرف شدن آنان از راه حق دانسته و عواملی مانند دشمنی و کینه، حسادت و دنیاطلبی را انگیزه این عملکرد آنان دانسته و می گوید: «نمی توان گفت هر کس پیامبر ﷺ را دیده فرد متدین و درستکاری است. علمای دینی به دلیل خوش بینی به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رفتارهای ایشان را توجیه و تأویل کرده و آنان را از هر چیزی که موجب خدشه دار شدن شخصیت شان شود مبرا دانسته اند تا از این طریق عقاید مسلمانان را از هرگونه لغزش و گمراهی نسبت به صحابه بزرگ حفظ کنند» (تفتازانی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۵).

مسیب می گوید: «براء بن عاذب را دیدم و گفتم: خوشا به حالت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصاحبت داشتی و در بیعت شجره (بیعت رضوان) با آن بزرگوار بیعت کردی. او گفت: ای پسر برادرم! نمیدانی که بعد از او چه کردیم». (بخاری، ۱۴۰۱، ۶۶/۵) پس خود اهل بیعت رضوان نیز چنین عقیده ای نداشتند که بیعت رضوان سند برائت آنان از هرگونه عیب و نقصی باشد.

۳. نتیجه گیری

در کتب تاریخی و رجالی گزارش های بسیاری وجود دارد که نمایان گر اثبات فضیلت و منقبت برای کسانی است که در بیعت رضوان شرکت داشته اند. اصطلاحات به کار رفته در کتب رجالی و

فضائل نگاری از جمله: بدری، عقبی و... اشاره به این دارد که حضور در بیعت رضوان برای صحابه جایگاه خاصی ایجاد می‌کرده و این قشریندی و جایگاه در همان دوران صدر اسلام نیز مطرح بوده است. اهل سنت نیز عدالت صحابه را در سایه همین پیمان ثابت می‌دانند، اما در این بین نباید این نکته را فراموش کرد که حرمتی که در سایه شرکت در بیعت رضوان برای صحابه ثابت شد همیشگی نبود و تا زمانی دوام داشت که مطیع بوده و از وادی حق بیرون نرفته باشند. در حالی که گزارش‌های بسیاری در کتب تاریخی و دیگر منابع اسلامی وجود دارد که نشانگر عدم استواری برخی صحابه بر عهد خود است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابراهیم، مصطفی (بی‌تا). المعجم الوسیط. استانبول: مکتبه الاسلامیه.
۲. ابن اثیر، محمد بن محمد (۱۳۸۶). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
۳. ابن اثیر، محمد بن محمد (بی‌تا). اسد الغابه. بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲). المنتظم. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن حبان (۱۴۱۴). صحیح. محقق: شعیب الارنؤوط. بیروت: مؤسسه الرساله.
۶. ابن حجر، عسقلانی (۱۳۹۲). فتح الباری. بیروت: دارالمعرفه للطباعه والنشر.
۷. ابن داود، حسن بن علی (۱۳۹۲). رجال ابن داود. محقق: آل بحر العلوم، سید محمد صادق. نجف: منشورات مطبعه الحیدریه.
۸. ابن سعد، محمد (بی‌تا). الطبقات الکبری. بیروت: دارصادر.
۹. ابن عبدالبر (۱۳۸۷). التمهید. محقق: العلوی، مصطفی بن احمد. الرباط: وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلامیه.
۱۰. ابن عبدالبر اندلسی (۱۴۱۲). الاستیعاب. محقق: البجاوی، علی محمد. بیروت: دارالجلیل.
۱۱. ابن مخلد قرطبی (۱۴۱۳). ما روی فی الحوض و الکوثر. محقق: عبدالقادر محمد عطاء صوفی. مدینه: مکتبه العلوم والحکم.
۱۲. ابن منظور (بی‌تا). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۱۳. ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۲). السیره النبویه. محقق: زکار، سهیل. بیروت: دارالفکر.
۱۴. احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دارصادر.
۱۵. احمد بن حنبل (بی‌تا). مسند. بیروت: دارصادر.
۱۶. الارزقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱). اخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار. بی‌جا: انتشارات شریف رضی.
۱۷. الامینی، محسن (۱۳۹۷). الغدیر. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. الباقلانی (۱۴۱۴). تمهید الاوائل. محقق: عماد الدین احمد حیدر. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۱۹. البحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۲۰. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). صحیح بخاری. دارالفکر للطباعه والنشر.

٢١. رشيد رضا (١٤١٤). المنار. بيروت: دارالمعرفه.
٢٢. الزمخشري، محمود بن عمر (١٣٨٥). الكشاف. مصر: مكتبه مصطفى الباي واولاده.
٢٣. سعد الدين تفتازاني (١٤٠١). شرح المقاصد في علم الكلام. باكستان: دارالمعارف النعمانيه.
٢٤. سمرقندي، نصرين محمد بن احمد (١٤١٤). بحر العلوم. بيروت: دارالكتب العلميه.
٢٥. السيوطي، جلال الدين (بي تا). الدر المنثور. بيروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
٢٦. الصدوق (١٣٧٨). عيون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
٢٧. الطبرسي (١٣٨٦). الاحتجاج. تحقيق: خرسان، سيد محمد باقر، نجف: دارالنعمان.
٢٨. الطبري، محمد بن جرير (١٤١٥). المسترشد. محقق: محمودي، احمد. قم: مؤسسه الثقافه.
٢٩. الطوسي، محمد بن الحسين (بي تا). الرسائل العشر. قم، مؤسسه انشر الاسلامي.
٣٠. طوسي، محمد بن الحسن (بي تا). التبيان في تفسير القرآن. تحقيق: احمد حبيب قصير العاملي. قم: مكتبه الاعلام الاسلامي.
٣١. الفيض الكاشاني، محسن (١٤١٨). الاصفى في تفسير القرآن. قم: انتشارات دفتر تبليغات.
٣٢. القمي (١٤٠٤). التفسير القمي. تصحيح: الموسوي الجزائري. قم: مؤسسه دارالكتاب.
٣٣. الكليني (١٣٦٣). الكافي. تهران. دارالكتب الاسلاميه.
٣٤. المتقي الهندي (١٤٠٩). كنز العمال. تصحيح: الشيخ السقا. بيروت: مؤسسه الرساله.
٣٥. المجلسي، محمد باقر (١٤٠٣). بحار الانوار. بيروت: مؤسسه الوفا.
٣٦. المسعودي، علي بن الحسين (بي تا). التنبيه و الاشراف. بيروت: دارصعب.
٣٧. مكارم شيرازي، ناصر (١٣٧٣). ترجمه قرآن كريم. قم: دارالقرآن الكريم.
٣٨. النقوي، سيد حامد (١٤٠٩). خلاصه عباقات الانوار. قم: سيد الشهدا.
٣٩. النووي، يحيى بن شرف (١٤٠٧). شرح مسلم. بيروت. دارالكتاب العربي.
٤٠. النيشابوري، مسلم (بي تا). صحيح مسلم. بيروت: دارالفكر.
٤١. الواقدى، محمد بن عمر (١٤٠٩). المغازي. بيروت: مؤسسه الاعلمي.